

# تاریخ تجارت برده از آفریقا به اروپا از دهه های ۱۴۴۱ تا ۱۹۵۰ تجارت برده و نژادپرستی بعنوان خاستگاه سرمایه داری

نویسنده: ماریو سوزا  
مترجم: پیام پرتوی

[http://www.mariosousa.se/Slavhandeln\\_och\\_rasisem\\_som\\_kapitalismens\\_vagga.html](http://www.mariosousa.se/Slavhandeln_och_rasisem_som_kapitalismens_vagga.html)

## تولد نظام صنعتی از دل تجارت برده

نابودی ساختار جامعه آفریقا توسط تجارت برده

در اواسط دهه ۱۶۰۰ مستعمرات اروپایی در قاره-ی جدیدا کشف شده ی آمریکا توسعه ای جدید و بسیار گسترده را تجربه نمودند. شمار زیادی از برده گان آفریقایی بمنظور کار در معادن طلا و نقره و مزارع شکر، تنباکو و پنبه، غیرو و غیرو، به آنجا آورده شدند.

بدلیل بهره برداری وحشیانه از توان کاری برده گان، با مرگ و میر شمار فراوانی از آنان بعنوان نتیجه، بصورتی مداوم به وجود برده گان جدید نیاز بود. برای مثال شمار قربانیان در مستعمره هلندی، سورینام، در کارائیب، چنان عظیم بود که تمام جمعیت سالم برده، حدود ۵۰۰۰۰ نفر، هر ۲۰ سال یکبار، کاملا نابود شده بودند!

همراه با افزایش تقاضا برای دریافت برده در آمریکا، شکار انسان توسط تاجران برده در قاره آفریقا نیز افزایش یافت. تاجران اروپایی برده گان را به سه روش مختلف: دزدی دریایی، پیمانهای جنگی و همکاریهای مسالمت آمیز تهیه مینمودند.

دزدی دریایی از غارت و جنگ، که شکارچیان برده پایگاه خود را در قایقها داشتند، تشکیل میشد، اما سرعت به مشارکت در جنگ مبدل شد. در این حالت اروپاییها بمنظور حمایت از یک پادشاه آفریقایی در مقابل رقبایش با گروههای مسلح سرباز به ساحل میرفتند. تاجر برده ی اروپایی بعنوان یک قاعده اجازه میافتند که اسرا در میان شکست خورده گان را، که بعنوان برده به آمریکا برده میشدند، بعنوان غنیمت جنگی بخرند.

گفته میشود که جان هاوکینز انگلیسی اولین شریک تاجر برده بوده باشد. در جریان اولین سفرش، پس از سپری نمودن مدت زمانی در سواحل گینه و به اسارت گرفتن ۱۵۰ زندانی،

حادثه ای رخ داد که آینده تجارت انسان را رقم زد. در ساحل سیرالئون، رئیس قبیله ای که در جنگ بر علیه دیگر پادشاهان منطقه به حمایت هاوکینز نیاز داشت با او تماس گرفت.

هاوکینز بعنوان دستمزد صاحب تمام افرادی میشد که در جنگ به اسارت گرفته میشدند. او با ۳۰۰ سرباز انگلیسی و همراه با رئیس و افراد وی به نبرد دشمنان رئیس قبیله رفت. جنایات و تخریبهایی که افراد هاوکینز با آتش سلاحهای خود در آن مشارکت نمودند غیر قابل توصیف اند. اما همه چیز به نفع هاوکینز تمام شد. او ۳۰۰ زندانی را، که با فروش و سود بزرگی در کارنایب بپایان رسید، با خود برد.

اروپاییها با گذشت زمان آموختند که بمنظور بدست آوردن برده گان بیشتر از عداوت میان اقوام مختلف در جهت ایجاد شرایط جنگی بهره برداری نمایند. در این موارد اروپاییها برای مثال یک طرف را بمنظور بدست آوردن حق خرید برده در میان اسرا مسلح مینمودند. با این روش، و اغوا شده توسط کالاهای اروپایی که توسط تجار برده پرداخت میشدند، برخی از پادشاهان آفریقایی سرانجام در تجارت برده اروپاییها شریک شدند.

اما این مشارکت پادشاهان آفریقایی را در اغلب موارد به تجار برده وابسته نمود. برای این پادشاهان جهت بدست آوردن کالاهایی که تجار برده اروپایی ارائه مینمودند تنها یک راه وجود داشت و آن تحویل برده گان بیشتر بود. شکار برده به مناطق بزرگتری گسترش و هر چه بیشتر و بیشتر به قلب قاره نفوذ نمود.

تجار برده اروپا در آغاز عمدتاً با اسبها، کالاهای مسی و پارچه میپرداختند، اما سرانجام و تقریباً به سلاح گرم و الکل روی آوردند. برای قبایلی که در آفریقا مایل به حفظ آزادی خود بودند سلاح گرم، تفنگ فیتله ای، به ضرورتی مطلق مبدل شد. بدون سلاح گرم، که در ازای برده دریافت میشد، امپراطوریهای نیرومند برای ملتهایی از جهات دیگر ضعیفتر در شکار برده، طعمه آسانی شدند.

سرانجام روند توسعه وقایع بخش عمده ای از مردم قاره آفریقا را به فراهم آوردن سلاح ناگزیر نمود. در خلال صدها سال، از ابتدای دهه ۱۸۰۰، عدم امنیت و ثبات گسترده ای بخش بزرگی از آفریقا را در بر گرفت. تقریباً در همه جا خطر ربوده و فروخته شدن به تجار برده اروپایی قریب الوقوع بود. ساختار جامعه فرو ریخت و به نابودی کشیده شد، انسانها تحقیر شدند و توسط مدیریت ظالمانه مورد تعرض قرار گرفتند. این امر از جمله در جریان توسعه هنر، از اشکال بسیار پیچیده در دهه ۱۴۰۰ تا توصیفات شدیدتر تا پایان دهه ۱۸۰۰، قابل رویت است.

در بسیاری از نقاط آفریقا و امپراطوریهای کهن توسعه اجتماعی باز ایستاد و فرهنگها به نابودی کشیده شدند. قدرت سنتی پادشاهان، شدیداً محدود شده توسط سیستمی از وزرای

کابینه و سلسله مراتب، به فرایندی ظالمانه و نامحدود مبدل شد. این امر به نابود نمودن مخالفان سیاسی و شورشیان از طریق فروش به تاجران برده منجر شد. عدم امنیت در جامعه تا حداقل کاهش یافت، در مناطق بزرگ کشاورزی به نابودی کشیده شد، بله، کدام کشاورز زمینی را میخواهد که نمیداند میتواند آنرا درو کند؟

## تجارت انسان

تجارت برده شکاری بود وحشتناک و خشن که تا عمق آفریقا گسترش یافت. انسانها ر بوده و به ساحل، بازارها و قایقهای برده هدایت میشدند. این میتوانست به معنای چندین هفته و یا ماه پیاده روی همراه با کمبود غذا و آب باشد. زندانیان ابتدا از غرب آفریقا میآمدند، از سنگال در شمال تا آنگولا در جنوب. در خلال دهه های ۱۸۰۰ از شرق آفریقا نیز تعداد زیادی برده آمدند.

اسرا بمحض ورود به بازار برده در اماکنی امن و یا زندانها به بند کشیده میشدند و تا هنگام به توافق رسیدن سران قبایل و اروپاییها در مورد قیمت یک *pièce de Inde* (بهای یک فرد طبیعی نیرومند، سالم ۲۰ ساله) به ماندن در آنجا ناگزیر میگشتند. بطور معمول دو فرد ۳۰ ساله، همچنین دو پسر ۱۰ تا ۱۵ ساله یا دو زن، معادل یک *pièce* بودند.

اسرا معمولاً پس از هفته ها راه پیمایی در غل و زنجیر فرسوده و به این امر باید مسائلی از قبیل مبارزه برای نجات جان خود و اینکه شاید شاهد قتل عام عزیزان و به آتش کشیدن خانه هایشان توسط شکارچیان برده بودند نیز اضافه شود. بهمین دلیل میزان مرگ و میر در زندانهای بازارهای برده فروشی بسیار بالا بود.

روز فروش اسرا به اروپاییها، مردان، زنان و کودکان کاملاً برهنه، به محلی عمومی آورده و در آنجا توسط دکتر کشتی دقیقاً مورد معاینه قرار میگرفتند. افرادی که بیش از ۵۰ سال، یا موهای خاکستری، داشتند و یا بدلیلی نشانی از بیماری از خود نشان میدادند، کنار گذاشته میشدند. تنها آنهایی که وضعیت خوبی داشتند خریداری میشدند.



علامت گذاری برده با آهن داغ

نام شرکتهای برده با آهن گداخته بر روی سینه یا بازوی زندانی خریداری شده حک میشود. علامت کمپانی انگلیسی آفریقا **DY**، **Duke of York**، دوک یورک، نام رسمی پادشاه انگلیس، بود. خانواده سلطنتی پرتغال از صلیب مسیح استفاده میکرد. انجمن برای انتشار انجیل، **The Society for the Propagation of the Gospel**، برده گان خود را با حروف **SPG** علامتگذاری مینمود.

اسرا پس از علامتگذاری در انتظار حمل به کشتیهای باقی میماندند. در هر صورت این سفر به یکی از قلعه ها، انبار های برده، که کشورهای اروپایی در امتداد سواحل آفریقا، مستقیماً به آمریکا، ساخته بودند ختم میشد. اولین قلعه در سواحل آفریقا **S. Jorge da Mina**، بعدها المینا (منطقه مرکزی [غنا])، قرار داشت. آن توسط پرتغالیها در سال ۱۴۸۱-۱۴۸۹ تقریباً در ۵۰ کیلومتری جنوب کیپ کوست، در حال حاضر غنا، ساخته شد.

پادشاه پرتغال، جان دوم، که به ساخت قلعه تصمیم گرفته بود قایقهایی را همراه با ۵۰۰ سرباز، ۱۰۰ کارگر ساختمانی و کلیه مصالح مورد نیاز ساختمانی ارسال نمود. قلعه با برجهای بلند، دو خندق بزرگ تراشیده شده از سنگ بدور آن و ۴۰۰ توپ مجهز شد. آن بمنظور نگهداری از ۱۰۰۰ برده ساخته شده بود! وضعیت و اندازه آن نشان دهنده حجم پیش بینی شده تجارت برده است. پادشاه جان دوم، از پاپ **Xisto IV** بخاطر کلیه مسیحیانی که در **S. Jorge da Mina** جان داده بودند بخشش کامل گناهان دریافت نموده بود.

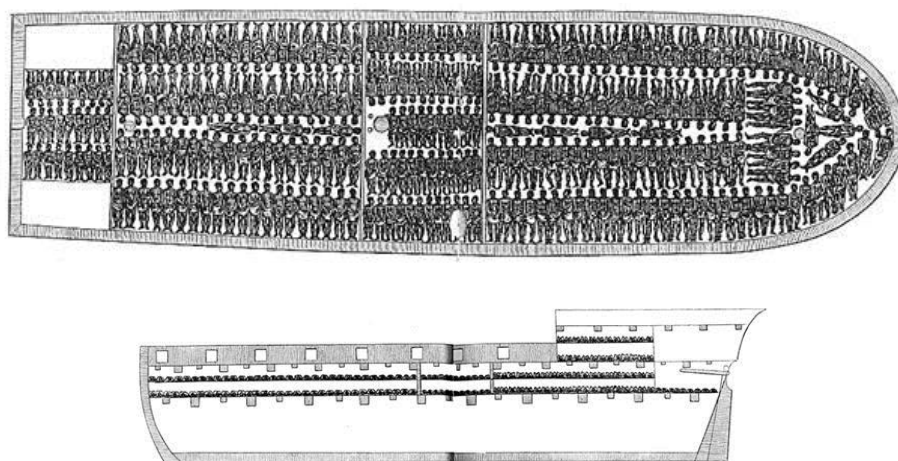
سفر به آمریکا برای آن انسانهای زندانی برابر بود با آمدن به محلی ناشناس. هیچیک از برده گان از عاقبت خود با خبر نبودند و اغلب آنان هرگز دریا را ندیده بودند. زندگی

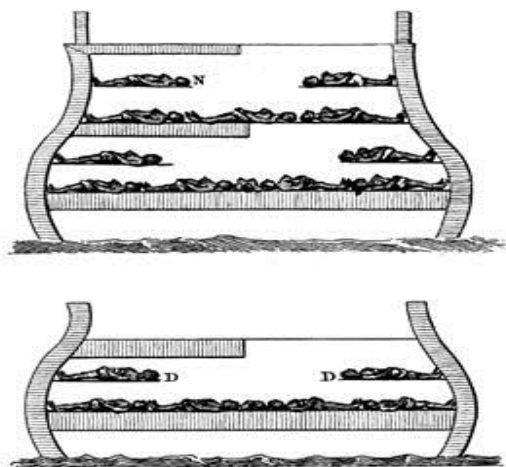
جهمی در کشتی حامل برده گان غیر قابل توصیف بود. برده گان را غل و زنجیر و در انبار کشتیها محبوس مینمودند، آنان را در فضایی بسیار محدود، نه بیش از اندازه عرض بدن، در هم میفشردند. انبار به طبقاتی به ارتفاع بطور کلی ۸۰ سانتیمتر، اما هرگز نه بیشتر از یک متر، تقسیم شده بود. در آنجا برده گان میخوابیدند و یا جهت نشستن تلاش مینمودند.

در کشتی انگلیسی حامل برده گان، بروکس، ارتفاع طبقات ۷۸ سانتیمتر بود. در این کشتی فضا برای هر برده ی مرد  $۱۸۳ \times ۴۰$  سانتیمتر، برای زنان  $۱۷۵ \times ۴۰$  سانتیمتر، برای پسران  $۱۵۲ \times ۳۵$  سانتیمتر و دختران  $۱۳۷ \times ۳۰$  سانتیمتر بود. در بسیاری از کشتیهای حامل برده، برده گان با غلاده گردن نیز مورد ضرب و شتم قرار میگرفتند.

هنگامیکه انبار، معمولا با ۳۰۰-۵۰۰ برده، پر بود کشتی در آنچه که بعنوان گذرگاه میانی معروف شد به آمریکا میرفت. این سفر معمولا پنج هفته بدرازا میکشید. پنج هفته از گرسنگی و تشنگی. پنج هفته که در خلال آن صدها انسان بر روی محلی که میخوابیدند استفراغ و نیازهای خود را برطرف مینمودند. بوی تعفن در کشتی حامل برده با کیلومترها فاصله به مشام میرسید. برده گان جان داده/بیمار بلافاصله به دریا پرتاب میشدند.

نمودار بارگیری برای کشتی حامل برده بروکس از لیورپول





میزان مرگ و میر در کشتی حامل برده غیر قابل توصیف بود، ۲۰-۳۰ درصد در خلال گذرگاه میانی جان میباختند. برده گان گاهی بر علیه آن سرنوشت وحشتناک سر به شورش برمیداشتند و رخ داد که گاهی کنترل کشتی را بدست گرفتند. تجار برده در اغلب موارد موفق به سرکوب شورش میشدند و آنانرا با براه انداختن حمام خون دیوانه وار تنبیه مینمودند.

## مثلث تجارت

پس از تامل برای لحظه ای و اندیشیدن بشمار تقریبی افرادی که بعنوان برده فروخته شدند، میتوان دریافت که در خلال ۱۶۵۰-۱۸۵۰، این مسئله عمدتا باید بخشی از یک فرایند بسیار گسترده باشد. میلیونها نفر در آفریقا در ازای کالاهای اروپایی، اسلحه گرم، پارچه، کالاهای مسی و مشروبات الکلی بعنوان برده خریده و به آمریکا برده شدند. در آنجا به انجام کار رایگان برای صاحبان مزارع شکر و معادن ناگزیر و در قاره آمریکا ثروتهای عظیمی بصورت کالا، شکر، تنباکو، پنبه، نیشکر، طلا، نقره و سنگهای قیمتی، تولید نمودند.

این کالاها به نوبه خود به اروپا آورده و در آنجا سودهای فراوانی را ایجاد نمودند. بخشی از سودهای بدست آمده از این معاملات بر روی کالاهای جدید اروپایی سرمایه گذاری، که به آفریقا جهت خرید برده گان بیشتر حمل شدند. این چرخش تجاری معمولا مثلث تجارت یا دایره تجارت نامیده میشود.

نقش برده گان را در ایجاد این ثروت عظیم نباید فراموش نمود. برده گان افرادی نادان و بطور کلی سیاهانی تنبل، تنها جهت استفاده بعنوان وسیله ای ساده نبودند که برخی از مورخان نژاد پرست خواهان متقاعد نمودن ما به آنند. برده گان در واقع افرادی شاغل، کشاورزان و صنعتگران - ه دزدیده شده، با طیف گسترده ای از مهارتها، بودند.

دانش آنان در بسیاری از حوزه ها، برای موفقیت در معادن و مزارع شکر اساسی و بسیار ضروری بود. آنها بعنوان نجار کارهای ساختمانی، بنا، کشاورز، سنگ کار، آهنگر، نقاش، نجار، سازنده گان طلا و نقره، هنرمند و غیرو کار میکردند و توانایی و دانش کاری را از کشورهای خود بهمراه آورده بودند.

در پشت مثلث تجارت خانواده های سلطنتی و شماری از سرمایه داران دیگر اروپایی قرار داشتند. خانواده های سلطنتی یا مجوز تجارت با برده گان را میفروختند و یا با سرمایه شخصی خود در این تجارت شرکت مینمودند.

شمار دیگری از اعضاء طبقه مرفه، اشراف و بورژوازی شرکتهایی را با اجازه خانواده های سلطنتی ایجاد، مجوزش را خریدند و تجارت برده را آغاز نمودند. بسیاری از آنان مالکان کشتی و کارخانجات کشتی سازی، کارخانجات اسلحه سازی و پارچه در اروپا و صاحبان مزارع شکر - و معادن در آمریکا، بودند

مثلث تجارت معامله ای بسیار پر منفعت بود، معامله ای با یک سود سه برابر. در آمد انگلیس از تجارت در کارائیب، در پایان دهه ۱۷۰۰ چهار برابر بیش از درآمد حاصله از تجارت با همه جهان بود. منافع بدست آمده وسیع بودند و آن تجارت بسرعت توسعه یافت. در خلال دورانی نسبتا کوتاه شمار کشتیهایی فعال بر روی اقیانوسها افزایش یافتند. در بندر لیورپول، ۱۷۱۹، ۱۸۳۷۱ کشتی ثبت شده وجود داشت. ۱۷۹۲ بر شمار کشتیها تا ۲۶۰۳۸۲ افزوده شده بود. این افزایش بدلیل توسعه قابل توجه حمل و نقل کالا در خلال آن ۷۰ سال شدیداً ضروری بود.

بعنوان مثال میتوان به ارقام مربوط به واردات شکر به انگلیس و صدور کالاهای پنبه ای از بریتانیا استناد نمود. در سال ۱۷۲۰ انگلیس نیم میلیون تن شکر وارد کرد. در پایان دهه های ۱۷۰۰ واردات سالانه پنج برابر بزرگتر بود. ۱۷۰۱ صادرات کالاهای پنبه ای انگلیس ۲۳۰۰۰ پوند و سال ۱۸۰۰ ارزش صادرات برابر با ۵،۵ میلیون پوند بود.



«مثلث تجارت»

لیورپول با کشتی سازی، منچستر و لانکشاير با توليد پارچه های پنبه ای ارزان قيمت برای خريد برده و بیرمنگام با صدور سلاح فیتله ای به آفریقا رشد کردند. توسعه سریع اقتصادی در مثلث تجارت شرایط را برای انقلاب صنعتی در انگلستان فراهم آورد. نیاز فزاینده به کالاهای مصرفی ارزان منجر به اختراعات در صنعت گرديد، که بنوبه خود منجر به گسترش و تجدید حیات شد. این امر بخصوص در صنعت پارچه بافی، در پایان دهه ۱۷۰۰ نوآوریها و ماشینهای جدید بدنبال هم میامدند، مشاهده میشود.

انقلاب صنعتی با مثلث تجارت زاده شد. با آن طبقه جدیدی متشکل از تجار بزرگ و صاحبان صنایع در راس جامعه ظاهر گشتند. آنها فوق العاده ثروتمند بودند، با پولهای خود اسراف مینمودند و قدرت سیاسی برای خود میخریدند، برای مثال در پارلمان انگلیس، از جایی که میتوانند بر روی معاملات کشور و شرایط تجارت مثلث نفوذ داشته باشند.

اما این ثروت‌های بنیان نهاده شده بر روی مثلث تجارت روی دیگری نیز داشت، یک روی بسیار کثیف. در آفریقا، بجز تمام بدبختیها و تلاشی کشور و فرهنگ که تجارت برده بوجود آورده بود، بخش بزرگی از تولید کالای سنتی و دستی، برای اینکه سرانجام کاهش و بخشا نابود شود، کاملا راکد شد.

یک مثال. تولید پارچه های آفریقایی، شناخته شده بخاطر کیفیت خوبش و اینکه کشورهای اروپایی در واقع قبل از تجارت برده آنها وارد مینمودند، معاملات دیگر را کاملا تحت الشعاع خود قرار داد، راکد و با حمله ور شدن پارچه ارزان از اروپا به کشورهای آفریقایی ناپدید گشتند.

با ادامه سرکوب و افزایش قدرت کشورهای اروپایی وضعیت وخیمتر شد. سلطه گران اروپایی بمنظور حفظ قدرت و بازارهای خود توفقی عمدی را برای تولیدات و توسعه جامعه در آفریقا اعمال نمودند. انتقال تکنیک جدید اروپایی به کشورها در آفریقا کاملا غیرممکن بود، اگر چه این امر از جانب پادشاهان و تجار اروپایی بارها و بارها وعده داده شده و علیرغم اینکه پادشاهان آفریقایی بارها و بارها بخاطر دریافت پزشک، نجار، معلم مدرسه، کشیش، سازنده قایق و موارد دیگری که آنها بمنظور باز نمودن راههای جدید برای آینده آفریقا ضروری میدیدند طلب یاری نموده بودند.

نوزاد مثلث تجارت، صنعت، در اروپا نیز فقر و فاقه بیسابقه ای را ایجاد و زندگی را برای توده های عظیم کارگران به رنجی واقعی مبدل نموده بود. روزهای کاری برای بزرگسالان و کودکان تقریبا پایان ناپذیر بود، تا ۱۶ ساعت، دستمزدها بشدت ناچیز و شرایط کار غیر قابل تصور بودند.



فقر در شهرهای صنعتی اروپا و خیمتر از هر زمان دیگری بود. فقط ثروتمندان از ثروت‌های حاصل از مثلث تجارت بهره میبردند. برای فقیران اروپا تغییرات جامعه که نتیجه مثلث تجارت بود به نوع جدیدی از بردگی مبدل شد. در کتاب «وضعیت طبقه کارگر در انگلیس»، اثر فردریک انگلس، میتوان تصویری از وضعیت کارگران در سال ۱۸۴۵، یک مطالعه حقیقی باور نکردنی، بدست آورد.